

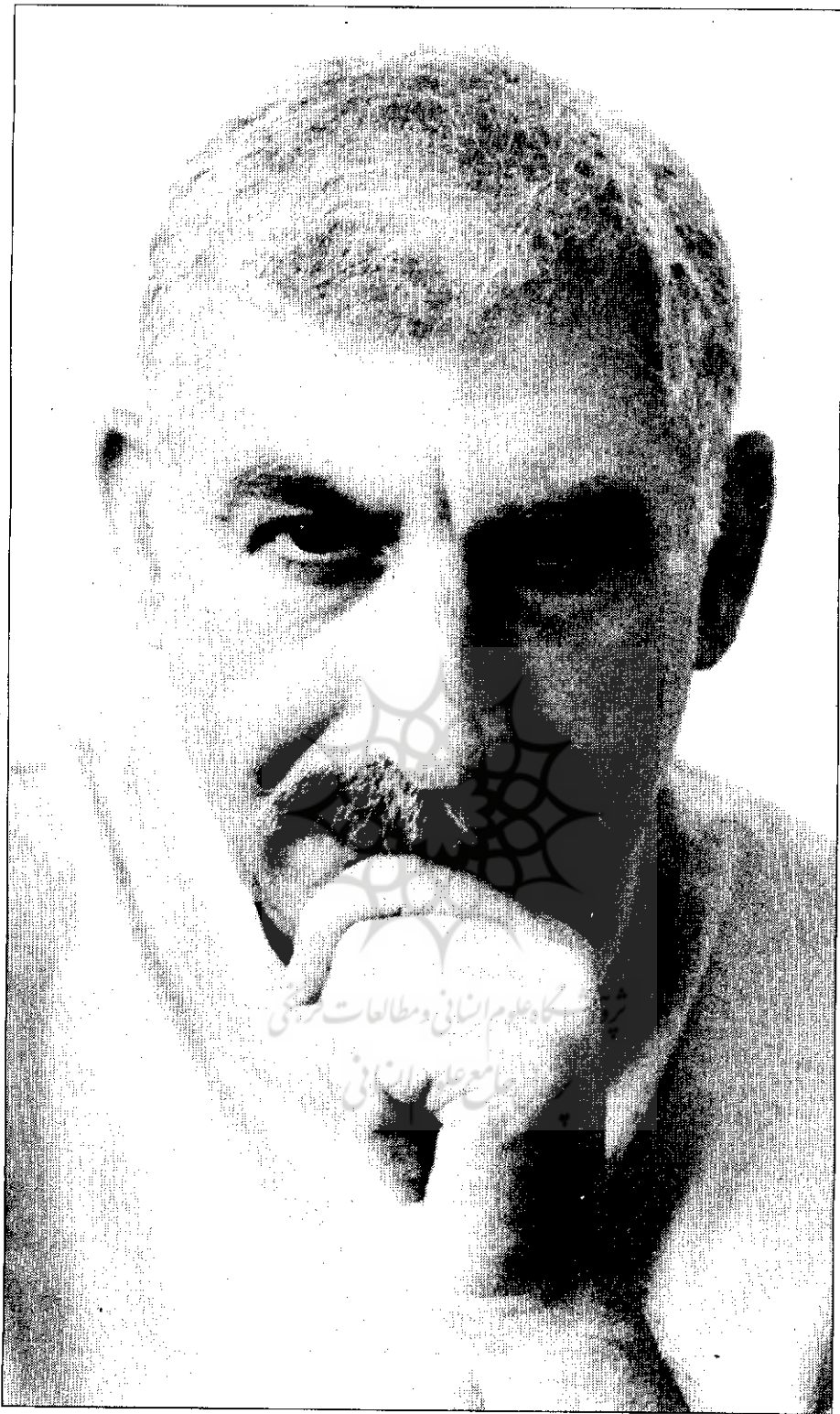
به بهانه درگذشت نادر ابراهیمی (۱۳۱۵ - ۱۶ خرداد ۱۳۸۷)

نادر ابراهیمی که کار ادبی خود را با نوشتن داستانهای استعاری آغاز کرده بود، با داستان‌هایی درباره زندگی خانوادگی کارمندان و افسردگی‌های روحی روشنفکران ادامه می‌دهد و پس از نگارش چند داستان ماجراجویی درباره 'یاغیان' و ترکمن‌ها، داستان‌هایی خیالی و وهم‌آلود راجع به مسایل کلی بشر می‌نویسد. ابراهیمی مجال تأمل در یک نوع داستان خاص را نیافته و آثارش را در حد تجربه‌هایی شکل نگرفته ارایه داده است.

او در زمینه‌های گوناگون طبع آزمایی می‌کند. فابل‌های تمثیلی می‌نویسد، فلسفه می‌یابد، فیلمنامه، قصه‌نمایشی، غزلدستان‌های رماتیک، قصه‌های نقاشی‌واره و... آخرین مجموعه‌های ابراهیمی، نشان‌دهنده این واقعیت است که وی نتوانسته شکل اصلی بیان خود را بیابد. به قول خودش، در یکی از داستان‌های تضادهای درونی (۱۳۵۰) «کم‌کم فراموش کرده بود که چرا می‌نویسد، و برای چه کسانی می‌نویسد. و فقط فکرش این بود که کتاب‌های بیشتری داشته باشد... و شهرت بیشتری به هم بزند و، متأسفانه، پول در بیاورد.»

ابراهیمی در برخی از مجموعه‌های خود، نوشتن داستانهای استعاری و افسانه‌ای را

* این مقاله گزیده‌ای است از برخی فصول کتاب صد سال داستان‌نویسی ایران، حسن میرعابدینی، نشر چشمه،



ترک می‌گوید، اما جملات قصار و شعارهایی که در داستان‌های واقع‌گرایانه‌اش می‌آورد و مخّل زمینه روایتی آنها می‌شود، نشان‌دهنده تمایل او به پندآموزی و اخلاق‌گرایی در قالب داستان است. دخالت‌های جا و بیجای نویسنده و اظهارنظرهای او دربارهٔ درمان دردهای اجتماع، از کیفیت طبیعی داستان‌هایش می‌کاهند و گاه آنها را به رساله‌ای اجتماعی تبدیل می‌کنند. ضعف در مجسم کردن عمق واقعیت‌های کوچک او را وامی‌دارد که «موقعیت‌های عینی را، هر چند ساده باشند، با مفاهیم انتزاعی روشن کند. لاجرم اساساً رابطه‌ای با جهان بیرون از ذهن، چه شیء و چه آدم، برقرار نمی‌کند... او چون قلم به دست می‌گیرد که بنویسد... نمی‌داند از کجا شروع کند، چگونه تمام کند، چه بنویسد، در کار او تصاویر بیهوده و اضافی دائماً یکدیگر را قطع و خنثی می‌کنند.»

و اما ابراهیمی که در برخی از داستان‌هایش (همچون خانوادهٔ بزرگ، دشنام) نشان داده بود قابل‌نویسی قابل است، شیفته روشنفکرنمایی‌های رایج زمانه‌اش می‌شود و به نوشتن داستان‌های تمثیلی به تقلید از تورات و یکلیا و تنهایی او روی می‌آورد؛ داستان‌هایی واقع‌گرایانه که در فضایی وهمی می‌گذرند، و تمام کوشش نویسنده صرف ایجاد موقعیت‌های بیمارگونه و مالیخولیایی برای شخصیت‌ها می‌شود. این داستان‌های پرگو را حادثه‌ای به پیش نمی‌برد و به جایی نمی‌رساند. گفتگوهای فیلسوف‌مآبانه با نثر ملال‌آوری که نه کلاسیک است و نه نثر زندهٔ امروز، داستان‌های تمثیلی ابراهیمی را می‌سازند.

نادر ابراهیمی که در شیوه‌های گوناگون طبع آزموده اما چهرهٔ مشخصی در داستان‌نویسی ایران نیافته بود، در دهه ۶۰ به عنوان پیام‌آور زمانه پا به عرصه ادبیات می‌نهد اما داستان‌هایی از شکل‌افتاده پدید می‌آورد. «آشوب ذهنی که آشوب زبانی را به دنبال دارد، موجب می‌شود که نویسندهٔ خودشیفته... با استفاده از سمبل‌های بسیار واضح، عمقی ظاهری به کار خود ببخشد و با استفاده از شعارهای مستعمل، پوششی "اجتماعی" بر کار ناهماهنگ خود بکشد...»

چنین نویسنده‌ای «حتی زمانی که می‌خواهد مستقیماً به "واقعیت" بپردازد، احساساتی است. ذهنی شاعرانه دارد، و چون شاعر نیست از شعر دور می‌ماند. نمی‌تواند بیرون را با چشم عادی بنگرد و با کلمه‌هایی وصف کند که مصداق عینی دارد. از کلیات حسی و کلمات کلی مدد می‌گیرد تا موقعیت‌هایی را بیان کند که در ذهن احساساتی‌اش شکل عینی خود را از دست داده‌اند.»

به هر جهت، منتقدان، داستان‌های او را فاقد مسیر منطقی و استخوان‌بندی دقیق

دانسته‌اند. «ابراهیمی اساساً داستان کوتاه‌نویس هنرمندی نیست. داستان‌هایش از نظر ساختمان و آدم ویران است و او در پی تزئین نثر است.» و «به علت پرداختن و سوسه‌آسای ذهن نویسنده به زبان، از ساختمان غفلت می‌شود... ابراهیمی اسیر کلمه‌های خوش‌آهنگ می‌شود و داستان را از دست می‌دهد. از مسیر اصلی قصه دور می‌شود و بافتی تزئینی و تصنعی می‌آفریند. زبان در کار او سرپوشی برای پنهان‌کردن ضعف‌های بنیادین در کار قصه‌نویسی شده است.»

ستایشگران ابراهیمی نثر او را منزّه دانسته‌اند و گفته‌اند: «بعضی از قصه‌های ابراهیمی، ضمن حفظ ارزش‌های هنری، دارای جنبهٔ نیرومند آموزش و پرورش (پداگوژیکی) است؛ طوری که می‌توان آن‌ها را تدریس کرد.»
در هر حال، از داستان‌های خوب این نویسندهٔ پرکار می‌توان مجموعهٔ کم‌صفحه‌ای ترتیب داد.

مهرون‌ناهِید

دوفصلنامه‌ی پژوهش‌های ایران‌شناسی

ISSN: 1735-7091

سال چهارم - شماره‌ی ۴ و ۵

زمستان ۱۳۸۶

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر فاطمه سمواتی

با همکاری: دکتر فاروق صفی‌زاده

زیر نظر شورای سردبیری

نشانی مجله:

E-mail: mehronahid2008@yahoo.co.in

تهران، صندوق پستی:

۷۵۵-۱۱۳۶۵